

بحثی در باره مبانی نظری کانون مدافعان حقوق کارگر

کانون مدافعان حقوق کارگر بر مبنای منشور و اساسنامه‌ی خود کلیات مبانی نظری را تدوین کرده است. اما این کلیات متناسب با تغییرات موجود در جامعه و هم‌چنین حرکت مدام و رو به جلو جامعه‌ی بشری در هر لحظه و هر زمان و یا در هر مقطع زمانی نیاز به توضیحات و تدوین تاکتیک و استراتژی‌های متناسب با شرایط دارد. تا کنون بحثی در مورد استراتژی نظری کانون برای دستیابی به اهداف خود به صورت مدون ارائه نشده است. اکنون پس از یک سال فعالیت به نظر می‌رسد که شیوه‌های رسیدن به خواسته‌ها و اهداف کانون باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. و هم‌چنین برنامه‌ی درازمدت و کوتاه مدت متناسب با آن مشخص گردد. برای مشخص شدن برنامه‌ی دراز مدت ابتدا ضروری است که یک تحلیل منسجم از وضعیت کلی حاکم بر جامعه جهانی و به تبع آن جامعه‌ی ایران ارائه گردد و متناسب با آن راه کارهای درازمدت دستیابی به اهداف کانون را مشخص کنیم. به همین دلیل ابتدا تحلیل مختصری از شرایط اقتصادی حاکم ارائه داده و سپس به ارائه راهکارهای موجود در رسیدن به اهداف مورد نظر می‌پردازیم.

بحران سرمایه‌داری: اولین مساله، بحران جهانی سرمایه داری است که در سال‌های اخیر سراسر جامعه‌ی جهانی را در بر گرفته و می‌رود تا با تداوم خود مناسبات موجود را به چالش بکشد. سقوط دارایی‌های مالی جهان سرمایه‌داری به میزان ۵۱ هزار میلیارد دلار بر طبق آخرین تخمین‌های منابع مالی، ترکیدن حباب قیمت‌ها در کلیه جوامع سرمایه‌داری که ناشی از بحران اضافه تولید و سیاست‌های تزریق پول در بازار بر طبق نظریات جان مینارد کینز و نظام برتن وودز بود سبب شده تا به یک باره کشورهای سرمایه داری و نظام حاکم بر جهان با سقوطی بی‌سابقه در یک صد ساله‌ی گذشته مواجه شود. این سقوط آن چنان بزرگ و عمیق بود که تئوریسین‌های سرمایه‌داری را وادار به قبول شکست نظام بازار آزاد کرد.

تئوریسین‌های سرمایه داری که بخصوص در دو سه دهه اخیر و به اصطلاح دوران جهانی‌سازی سرمایه همواره از ابدی بودن نظام سرمایه داری و پایان تاریخ و ازلی بودن نظام سیاسی لیبرالیسم و نولیبرالیسم دم می‌زدند در ظرف مدت کوتاهی همه‌ی تئوری‌های خود را پس گرفتند و وظایف بازار را بر عهده‌ی دولت‌ها قرار دادند. که آخرین آن ورشکستگی جنرال‌موتورز این تبلور قدرت سرمایه‌داری در یک صد سال گذشته بود. دخالت دولت‌ها با اتکا به هزینه نیروی کار برای نجات سرمایه‌داری ورشکسته فصل جدیدی را در سقوط نظام سرمایه‌داری می‌گشاید.

نظام سرمایه داری که به سادگی حاضر به پذیرش حاکمیت کار بر سرمایه نیست، اکنون تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا با تزریق پول اضافی این عصای موسی سرمایه داری، بار دیگر آب رفته را به جوی بازگرداند و با دولتی کردن موسسات ورشکسته اقتصادی، بدون آنکه به ساختار سرمایه داری لطمه ای وارد شود، در حقیقت نظام سرمایه داری را بازسازی کند.

این شیوه سرمایه‌داری برای بازسازی نظام خود ورشکستگی خود را بارها نشان داده است. سرمایه‌داری دولتی برای اولین بار هنگامی به میدان آمد که نظام رقابت آزاد سرمایه‌داری پاسخگوی نیازهای روز افزون جامعه انسانی نبود و اولین نمونه‌های خود را در آلمان در دهه ۱۸۸۰ نشان داد. در این مورد بود که شاهد دولتی شدن حمل و نقل، انرژی، صنایع نظامی و بخشی از بانکداری و غیره بودیم. همین دولتی شدن‌ها بعد از جنگ جهانی اول خود را به صورت حکومت‌های فاشیستی موسیلمانی و هیتلر نشان داد که بخش‌های دیگری از صنایع دولتی شدند. این دولتی شدن‌ها پس از جنگ جهانی دوم گسترش بیشتری یافت و در بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای اروپایی مهد سرمایه داری صنایع بسیاری وابسته به دولت‌ها شدند. این دولتی‌سازی‌ها نظام بیمه، آموزش و پرورش حمل و نقل انرژی صنایع نظامی و فضایی و چند رشته‌ی دیگر را دربرگرفت. اما مجدداً با بحران دهه ۱۹۷۰ شعار خصوصی‌سازی و بازگشت به لیبرالیسم قرن نوزده آغاز شد. دولتی کردن که در حقیقت سرمایه‌داری را در بخش‌هایی از تولید با مشکل افزایش سود مواجه می‌کرد. به کناری گذاشته شد و تا آنجا پیش رفت که حتا ارتش و سازمان نظامی نیز خصوصی شد. سرمایه‌داری تنها راه افزایش سود خود را در خصوصی کردن هر چه بیشتر بخش‌های نظامی اقتصادی و فرهنگی یافت. و تا بدان حد پیش رفت که فرهنگ آموزش و پرورش و حتا آب‌ها و جنگل‌ها و رودخانه‌ها و دریاها را نیز خصوصی کرد تا سود سرمایه‌داری محفوظ بماند و در این زمینه آن چنان لجام گسیخته عمل کرد که مسامات حیاتی انسان در روی زمین رو به نابودی گذارد. اکولوژی زندگی انسان به هم ریخت. کره زمین رو به

گرمی نهاد، جنگلها و رودخانه ها و دریاچه ها نابود شد. یخ‌های قطبی در حال آب شدن و لایه اوزن در حال ناپدید شدن قرار گرفت. هیچ چیز مانع حرص و آز سرمایه‌داری برای دست یابی به سود بیشتر نبود و زندگی بشر می‌رفت که در نابودی قرار گیرد. از طرفی سود فزاینده سرمایه‌داری آن چنان بی‌مهابا در نابودی نظام بشری هزینه می‌شد که میزان بمب‌های اتمی موجود برای نابودی چندین باره زمین کافی است و هزینه‌های مواد مخدر و عیاشی‌ها و قماربازی‌های و تنوع‌طلبی‌های پوچ این نظام ده‌ها برابر زندگی انسان‌های روی کره زمین شد. تنها هزینه‌ی قمارخانه‌ها، دکوراسیون مراکز فساد سرمایه‌داری بیش از ده برابر سیر کردن گرسنگان می‌شود و هزینه ساخت سلاح‌های مخرب صدها برابر هزینه‌ی آب آشامیدنی سالم و بهداشت چندمیلیارد انسانی می‌شود. که در فقر مطلق زندگی می‌کنند. (۱)

بله این نظام اکنون در حال فروپاشی است و دیگر نمی‌تواند به شیوه‌ی سابق بیکاران را به جرم ولگردی در خیابان‌ها با باتوم و یا شلاق مورد تعرض قرار دهد. زیرا دیگر بیکاری جزء ذاتی آن شده است. دیگر نمی‌تواند همانند قبل به هر کجا که خواست لشکر بکشد زیرا که دیگر افکار عمومی جهان همانند گذشته اجازه‌ی چنین کاری را نمی‌دهد. از طرف دیگر دولتی کردن موسسات اقتصادی و تولیدی نیز راه‌حلی است که شکست خود را قبلاً نشان داده است. و به هیچ عنوان نمی‌تواند برای شرایط دشوار سرمایه‌داری راه‌گشا باشد. و در زمانی کوتاه عدم موفقیت خود را نشان خواهد داد. نگاهی به تاریخ دو قرن اخیر نظام سرمایه‌داری نشان می‌دهد که گویا این نظام برای حل بحران‌های خود هیچ راه‌حل جدیدی را نمی‌شناسد و در یک دور باطلی خصوصی‌سازی و دولتی‌سازی برای فرار از بحران‌های خود گرفتار آمده است. هم چنین راه‌حل‌های تزریق پول و یا ایجاد بازار کاذب به وسیله‌ی جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای که قبلاً بارها آزمایش شده است، نمی‌تواند بن‌بست‌های موجود این نظام را از میان بردارد. زیرا محور اساسی سرمایه‌داری که همانا سود است، در هیچ کدام از این راه‌حل‌ها به چالش کشیده نمی‌شود.

از آنجا که نطفه‌های نظام آینده را می‌توان در بن‌بست‌های نظام گذشته یافت، تنها راه نجات حذف سودمحوری از زندگی اجتماعی در جامعه‌ی جهانی است. چالش‌های نظام سرمایه‌داری جز با تغییر محور این نظام قابل حل نیست و این امر به گواه تاریخ سیصد ساله سرمایه‌داری قابل اثبات است. آنچه که همواره این نظام از آن گریزان بوده است و در تقابل با آن قرار داشته همانا محوریت انسان در اقتصاد و تولید و ساختار اجتماعی بوده است.

نظامی انسان‌محور بدیل نظام سودمحور: در برابر سودپرستی و سودطلبی نظام سرمایه‌داری آنچه قرار دارد نیروی کار انسان‌هاست که تولید ثروت نعم مادی و سرمایه می‌کند. اگر نیروی کار انسان وجود نداشته باشد هیچ کالایی وجود نخواهد داشت. این نیروی کار انسان است که هر گونه مواد و یا محصول طبیعت را به کالا تبدیل می‌کند و این نظام سرمایه‌داری است که با تملک کالاها هر روز به سود سرمایه می‌افزاید. از آنجا که انسان مبدا اساسی تولید است پس انسان نیز باید هدف تولید باشد. تولید بدون انسان مفهوم ندارد. پس مصرف‌کننده تولید باید انسان باشد. هیچ تولیدی بدون صرف کار انسانی بوجود نمی‌آید. پس نباید هیچ تولیدی بدون نیازهای جامعه‌ی انسانی برای زندگی وجود داشته باشد. تولید باید به نیازهای انسان و جامعه‌ی انسانی پاسخ گوید و تولیداتی که به جوامع انسانی زیان می‌رساند و تنها برای حرص و طمع سرمایه داران است باید به کناری گذارده شود. در یک نظام انسان محور بورس‌بازی، قمار بازی، سفته بازی، تن فروشی، تجارت مواد مخدر، تجارت انسان، تجارت اسلحه و بسیاری از اشتغال‌های سودافزای دیگر جای نخواهد داشت.

نیروی کار: نیروی کار اصلی‌ترین سرمایه و پایه‌ای‌ترین مقوله‌ی موجود در جامعه‌ی بشری است. بدون نیروی کار هیچ گونه نعم مادی تولید نمی‌شود. حتا محصولات طبیعی بدون نیروی کار برای مصرف آماده نمی‌شود. میوه درختان جنگلی و ماهی رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها به وسیله‌ی نیروی کار چیده می‌شود و آماده برای مصرف می‌گردد. هیچ گونه مواد معدنی بدون نیروی کار تبدیل به کالایی آماده نمی‌شود. اساس وجود جامعه انسانی نیروی کار است و اساس تمدن بشر نیز بر نیروی کار استوار است. بدون نیروی کار هیچ ساختمانی وجود نخواهد داشت و بدون نیروی کار هیچ ماشین صنعتی بوجود نخواهد آمد. بدون نیروی کار هیچ کالایی موجود نخواهد بود. درحقیقت، تنها ارزش و معیار ارزش‌هاست. درحالی که نیروی کار اساس ارزش است اما دارندگان نیروی کار در جوامع امروزی ارزش واقعی خود را ندارند و به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار می‌گیرند. در یک جامعه‌ی انسانی همگان درگیر کار هستند و از نیروی کار همگان به صورت صحیح استفاده می‌شود. آن کس که تولید می‌کند و کالا و یا ماده‌ی خامی را از شکلی به شکل دیگر در می‌

آورد و آن کس که آن کالا را برای مصرف آماده می‌کند، آن کس که آن را بسته‌بندی می‌کند و یا نیروی کاری که آن را آماده برای خوردن پوشیدن، و یا استفاده‌ی بلافصل می‌کند، همه و همه نیروی کار هستند. کسانی که خدماتی به نیروهای کار ارائه می‌دهند، از قبیل آموزش نیروی کار، خدمات بهداشتی و مراقبتی خدمات نرم افزاری و سخت افزاری انجام کارهای فرهنگی و هنری و حتا انجام خدمات اداری و پشتیبانی و خدمات تخصصی و مدیریتی همه و همه نیروی کار هستند که در مجموع جامعه‌ی انسانی و وجودش بر روی کار آنان استوار است. نویسندگان روزنامه نگاران هنرمندان ریاضی‌دانان متخصصین پزشکان و... همه و همه نیروی کار هستند که در استواری تولید و بازتولید و تداوم جامعه‌ی انسانی نقش دارند. در حقیقت هر آن چه که باعث تداوم جامعه‌ی انسانی می‌شود، نیروی کار است. و آن چه که به صورت سرمایه و یا ابزار تولید و یا وسایل کار در دستان تلاش‌گران امور جامعه انسانی قرار دارند محصول نیروی کار گذشتگان است. اما نظام سرمایه داری با انحصاری کردن ابزار و وسایل تولید و زندگی در دستان عده‌ی خاص و معدود تلاش می‌کند تا نیروی کار را به ارزان‌ترین قیمت در اختیار خود بگیرد و از آن برای افزودن بر دارایی‌ها و مالکیت خود استفاده کند. نظام سرمایه‌داری تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا نیروی کار ارزان را به خدمت بگیرد و از این طریق هر چه بیشتر بر ثروت خود بیافزاید. نظام سرمایه داری قدرت نظامی و انتظامی و دادگاه و زندان و پلیس را در خدمت افزایش سهم خود از کار دیگران به کار می‌گیرد و در حقیقت تمام ابزار قدرت دولتی در خدمت افزایش سرمایه و دارایی عده‌ای خاص قرار گرفته که از نیروی کار دیگران استفاده می‌کنند.

زنان در جامعه سرمایه‌داری: زنان نیمی از نیروی کار جامعه انسانی هستند. و بخشی از سرمایه اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کنند. بدون زنان جوامع انسانی امکان وجود ندارند. و استواری و تداوم هر جامعه بستگی به میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی دارد. جامعه‌ای پیشرفته‌تر و انسانی‌تر است که در آن زنان جایگاه واقعی خود را در تولید و مصرف نعم مادی داشته باشند. بلوغ و گسترش پیشرفت جوامع انسانی بستگی به موقعیت اجتماعی و رشد و بلوغ و پیشرفت زنان در آن جامعه دارد. سرمایه داری همواره سعی کرده است تا از نیروی کار ارزان زنان در جهت ارزان نگه داشتن نیروی کار استفاده کند. و در یک جامعه مردسالار از وجود زنان برای انواع سوءاستفاده‌های مردان بستری مناسب بسازد. یکی از بنیان‌های اساسی سودطلبی سرمایه‌داری کار زنان است که همواره از کار آنان سوءاستفاده شده و ارزش واقعی آن انکار شده است. بخصوص در جوامع سنتی و عقب‌مانده تر زنان از ابتدایی‌ترین آزادی‌های اجتماعی همانند آزادی انتخاب پوشش، همسر و آزادی برابر در حقوق مالکیت و غیره نیز محروم هستند. در نتیجه به خصوص در جوامع سنتی‌تر و عقب‌مانده‌تر اجتماعی زنان به یکی از محورهای حرکت اجتماعی تبدیل شده‌اند و ابتدایی‌ترین خواست آنان برای پذیرش آنان به عنوان نیروی کار نادیده گرفته می‌شود. و حتا آنان را به عنوان نیروی کار اجتماعی در بسیاری از مواقع به حساب نمی‌آورند. درحالی که بدون نیروی کار زنان اساس هر جامعه‌ی ای در هر سطح از تکامل اجتماعی امکان تداوم ندارد. مساله نادیده انگاشتن زنان به عنوان نیمی از نیروی کار یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی نظام سرمایه داری است. زیرا اساسا سرمایه داری یا کار زنان را به حساب نمی‌آورد و یا تلاش می‌کند از آن به عنوان ارزان نگه داشتن نیروی کار استفاده کند.

کودکان، محصلین دانشجویان: کودکان در گردش بازتولید کار اجتماعی قرار دارند و نظام سرمایه‌داری آنان را برای رده‌های مختلف تولید سرمایه و سودافزایی مورد استفاده قرار می‌دهد. بخشی از کودکان از همان ابتدا به وسیله سرمایه داری به صورت کالای آماده مصرف به حساب می‌آیند و آنان را به صورت کالا در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهد. چه به صورت کودکان کار و خیابان و چه به صورت کودکان مورد سوء استفاده جسمی و جنسی و استفاده از اعضای بدن آنان و غیره. این بخش از کودکان که به بدترین شکل در نظام سرمایه داری لگد مال می‌شوند، یکی از منابع اصلی بالا بردن سود سرمایه داری هستند و یکی از کثیف‌ترین و غیر انسانی‌ترین بخش‌های سودطلبی سرمایه داری را به نمایش می‌گذارند. آنان کودکانی که از این مقطع رهایی یافته و توانایی رفتن به مدرسه را دارند در مقاطع مختلف تحصیلی رده‌های مختلف نیروی کار را تشکیل می‌دهند. کودکانی که در مقطع دبستان مجبور به ترک تحصیل میشوند اغلب نیروی کار ساده نظیر خدمتکار و غیره را تشکیل می‌دهند و کودکانی که در مقطع دبیرستان مجبور به ترک تحصیل میشوند اغلب رده‌های دیگری مانند سیگار فروشی ماشین‌پایی و یا نیروی کاری را تشکیل می‌دهند که تخصص کمتری لازم دارد و رده‌های

مختلف تخصصی از تکنسین و مهندس و متخصص و سرپرست و غیره رده های دیگری هستند که در مقاطع مختلف تحصیلی برای جایگزینی نیروی کار باز تولید می شوند.

کارمندان نیروهای خدماتی تولید اپراتورها و سایر اقدار حقوق بگیر: حقوق بگیران بخش های مختلف خدماتی و تولیدی و آنان که کار بوروکراسی و یا تکنوکراتیک انجام می دهند، نیروی کاری هستند که در خدمت نظام سرمایه داری قرار دارند. آنان در برابر فروش نیروی کار خود برای حفظ نظام سرمایه داری حقوق دریافت می کنند که گاه متناسب با خدمات بهتر و وفادارانه تر برای نظام دستمزدهای گزاف تری دریافت می کنند. آنان نیروی کاری هستند که در بسیاری موارد برای حفظ نظام سود محور خدمت می کنند اما در این مساله که همه ی آنان نیروی کار هستند و تنها نیروی کار خود را عرضه می کنند تا زندگی ابتدایی و اولیه ای داشته باشند مشترک هستند. این مساله که نیروی کار آنان در بسیاری موارد صرف امور زاید این نظام سود محور می شود فرقی در اصل قضیه نمی کند. به عنوان مثال حسابداران و محاسبه کنندگان نرخ سود و بهره و کارمندان بانک های تجاری و غیره به صورت عمده میزان سود و ربح پول را محاسبه می کنند و با دقیق ترین فرمول ها برای محاسبه سود پول سروکار دارند و بسیاری از آنان در این امر متخصصند. اما در یک جامعه ی انسان محور اساسا به چنین تخصصی نیازی نیست. اما این مساله به معنی آن نیست که آنان جزء نیروی کار نیستند. یا متخصص جرایم پلیسی و حتا مزدوران نظامی نیروی کار خود فروخته های هستند که در خدمت حفظ نظام سرمایه داری جان خود را هم از دست می دهند و جان دیگران را هم می گیرند تا نظامی را حفظ کنند اما آنان نیز نیروی کار هستند که در یک جامعه انسان محور در خدمت ارتقا و امنیت اجتماعی و در مقابله با بلایا و حوادث طبیعی می توانند نقش مهمی ایفا کنند.

سایر اقدار، دولتمردان: نظام سرمایه داری برای حفظ بینان سود محور خود و حفظ طبقات بالایی و تسلطه آنان بر جامعه انسانی از تعداد قابل توجهی مدیران متخصصان، وزرا و وکلا حقوق دانان و قضات و مجموعه ای از متخصصین علوم اجتماعی برای حفظ نظام موجود بهره می برد. این مدیران و متخصصان و سیاستمداران و آموزش دیدگان برای حفظ نظام موجود اغلب از آموزش های پیچیده فشرده جامعه شناسی ضد مردمی و متخصصان نگهداری و حفظ وضع موجود برخوردارند. آنان اغلب حقوق های گزاف و امتیازات فراوانی در این نظام سود محور دارند آنان که گاه درآمدهای بسیار کلان برای حفظ نظام موجود به دست می آورند. جالب است بدانیم که در یک بررسی از وضعیت شرکت های ورشکسته ی آمریکایی مقرر شد که مدیران شرکت های هواپیماهای شخصی و گردشگاه های خصوصی خود را باید باز پس دهند و این امتیازات یکی از عوامل ورشکستی این شرکت ها بوده است. این مدیران و متخصصان حافظ نظام همراه با صاحبان سهام و مالکان اسمی شرکت های بزرگ، تجار بزرگ و صاحبان سرمایه های کلان در اصل غارت کنندگان نیروی کار هستند که برای تفریحات زندگی انگلوار خود میلیون ها نیروی کار را برای هوسرانی خود از کار مفید باز می دارند. میلیون ها نیروی کاری که در قمارخانه ها مراکز عیاشی مرد بورژوا و سالن های مد و... بدون اینکه کار تولیدی و خدماتی مفیدی انجام دهند، در حقیقت به هدر دادن نیروی کار که عامل اصلی ثروت اجتماعی است مشغولند که در یک نظام انسان محور می توانند به تولیدات و خدمات مفید برای ارتقای جامعه ی انسانی پردازند.

همراه با آنان دلالان صاحبان مشاغل آزاد، اقدار میانه های هستند که به تبلیغ کالاها و فروش غیر ضروری آن برای زندگی انسانی می پردازند و قشر گسترده ای را تشکیل می دهند و در یک نظام انسان محور باید از نیروی کار آنان در تولید وسایل ضروری زندگی انسانی استفاده شود. با به کارگیری نیروهای کار زائد در خدمات اجتماعی و تولیدی، زندگی واقعی انسانی ارتقا یافته و زمینه ی ایجاد خلاقیت ها و نوآوری برای یک زندگی بهتر با آموزش و پرورش بهتر یا بهداشت و فرهنگ گسترش یافته تر و استفاده از امکانات طبیعی و جلوگیری از نابودی محیط زیست فراهم می شود. امروزه در یک جامعه بسته بسیاری از کارهای زائد انجام می شود که سبب اتلاف نیروی کار است. توزیع نابرابر در نظام سرمایه داری باعث هز رفتن نیروی کار و آوارگی در تولید است.

به عنوان مثال در مورد جامعه ی خودمان چند مورد وجود دارد که می توان متذکر شد: نفت خام به کشورهای پیشرفته تر صادر می شود و در برابر فرآورده های نفتی و مواد پلیمیری با ده برابر قیمت به طور متوسط وارد می شود. نیروی کار زیادی صرف حمل و نقل و توزیع امور گمرکی و محاسبات در این تغییر و جابه جایی صورت می گیرد. در حالی که در یک نظام انسان محور می توان کلیه ابزارآلات و موسسات تولیدی برای تصفیه مواد فسیلی را در نزدیکی منابع نفتی ایجاد کرد تا هم از دلالی ها و واسطه گیری های

شرکت‌های نفتی بزرگ جلوگیری کرده و هم اشتغال در نزدیکی منابع نفتی ایجاد کنند. مورد دیگر سنگ آهن سالانه به میزان میلیون‌ها تن از ایران به کشورهای چین و هند و... صادر می‌شود و در برابر آهن و سایر محصولات فولادی وارد می‌شود. در این حمل و نقل و تبدیل، میلیون‌ها نیروی کار به صورت زائد به هدر می‌رود (به مقالات جهانی‌سازی در ایران و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی ارجاع داده می‌شود) این نیروی کار اضافی را می‌توان در خدمات بیشتر انسانی به کار گرفت تا انسان‌ها از رفاه بیشتری برخوردار باشند. خدماتی همانند پزشکی، آموزش و پرورش و بیمار اقبال از کودکان و سالمندان و معلولین به کار گرفت

قسمت آخر وظایف ما: از آنجا که کانون مدافعان حقوق کارگر اعتقاد دارد که بنیان جامعه نیروی کار است و دارندگان نیروی کار اعم از کارگر پیدی و فکری و دارندگان نیروی کار تخصصی ارزش واقعی کار خود را دریافت نمی‌کنند و در کنار آن نیمی از نیروی کار خدمات لازم را از جامعه دریافت نمی‌کنند و وظیفه خود می‌داند که از تمامی دارندگان نیروی کار در چرخه زندگی اجتماعی و حقوق از دست رفته آنان دفاع کند. از این جهت به هر وسیله ممکن از هر جنبش عمومی و دموکراتیک که نظام سود محور را مورد نقد قرار دهد پشتیبانی کرده و از آن حمایت می‌کند. حقوق دموکراتیک، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی حق آزادی بیان و اندیشه از ابتدایی‌ترین حقوقی است که نیروی کار هر جامعه‌ای باید داشته باشد. حق تجمع اعتراض اعتصاب تظاهرات نیز از همین حقوق ابتدایی است که بدون شک برای همگان بی‌حصر و استثنا باید وجود داشته باشد (بند ۴ منشور کانون). هر گونه عمل غیر انسانی در برابر خواسته‌های به حق مردم از قبیل ضرب و شتم برخورد فیزیکی زندان شکنجه و کشتار و... محکوم بوده و باید با تمام توان در برابر آن ایستادگی شود. این استراتژی درازمدت برای محافظت از نیروی کار ضروری است.

ایجاد تشکل‌های صنفی و نهادهای نمایندگی نیروی کار: نمایندگان نیروی کار باید در همه عرصه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند و جلو سودمخوری که مبنای رانت‌خواری و فساد اجتماعی و اخلاقی است، را، بگیرند. ما معتقدیم که ایجاد نهادهای نمایندگی نیروی کار در همه عرصه‌های اجتماعی می‌تواند از هدر رفتن و هرز نیروی کار جلوگیری کند و مانع هر گونه فساد اجتماعی و اداری، رانت‌خواری و رشومخواری گردد. و جلو اشتغال‌های کاذب و دلالی را بگیرد. این نمایندگان نیروی کار هستند که می‌توانند چرخه تولید و اقتصاد اجتماعی را به مسیر صحیح هدایت کند. و برای آنکه این نمایندگان به صورت واقعی و در یک فضای سالم انتخاب شوند، وجود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از ضروریات است و در نتیجه کانون باید از هر حرکتی برای بدست آوردن این آزادیها حمایت کرده و با شرکت در آن در ارتقای آن حرکت تمام توان خود را به کار گیرد.

راه رسیدن به جامعه برتر: برای رسیدن به جامعه‌ای انسان محور کانون نمی‌تواند هیچ تاکتیکی را رد کرده و هیچ تاکتیکی را مطلق کند. انتخاب تاکتیک‌ها در رسیدن به جامعه‌ای انسان محور با تجربه گذشته مبارزات آزادی خواهانه بیشتر بر عهده‌ی مردم است. مردم در مبارزات خود تاکتیک‌هایی متناسب با حرکت و خواسته‌های خود در پیش می‌گیرند که این تاکتیک‌ها برخاسته از شرایط اقتصادی و اجتماعی خاصی است. هر چند گروه‌ها و تشکل‌ها نیز می‌توانند متناسب با حرکت‌های اجتماعی تاکتیک‌هایی را ارائه دهند اما تداوم آن تاکتیک‌ها بستگی به خواست و توانایی حرکت‌های مردمی دارد.

اعتصاب تحصن، یا حرکت اعتراضی خیابانی و حق برگزاری یک مراسم شادمانی و یا عزاداری هر نوع حرکت دیگری بستگی به درجه‌ی رشد و آگاهی اجتماعی دارد که در شرایط مختلف می‌تواند اتخاذ شود. ارائه شعارهای مناسب در هر شرایطی می‌تواند در ارتقا و گسترش آن تاکتیک راهگشا باشد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۳۸۸/۵/۶

(۱) بر طبق آمار ارائه شده توسط خبرگزاریها تعطیلی قمارخانه‌ها در روسیه چهار صد هزار نفر را بی‌کار میکند / اخبار صدای آمریکا ۸۸/۴/۹